

نام و نام خانوادگی:
 مقطع و رشته: دوازدهم انسانی
 نام پدر:
 شماره داوطلب:
 تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۱۲ تهران
 دبیرستان غیردولتی پسرانه سرای دانش واحد حافظ
 آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

نام درس: فلسفه ۲
 نام دبیر: محسن میرزازاده
 تاریخ امتحان: ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۹۹
 ساعت امتحان: ۰۸ : ۰۰ / صبح / عصر
 مدت امتحان: ۷۰ دقیقه

محل مهر و امضا: مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:	نمره به عدد:	نمره به حروف:									
	نام دبیر:	تاریخ و امضا:	نام دبیر:	تاریخ و امضا:									
شماره	سوالات				نمره								
۱	<p>صحيح يا غلط بودن عبارات زیر را مشخص فرمایید.</p> <p>الف) در مباحث اولیه ی فلسفه، مفهوم هستی پرکاربردتر از مفهوم چیستی است.</p> <p>ب) به نظر دکارت، انسان اصل علیت را با دخالت تجربه درک می کند.</p> <p>ج) نتیجه ی برآمده از اصل سنخیت میان علت و معلول این است که در جهان ضرورت و حتمیت وجود دارد.</p> <p>د) فلاسفه ای مانند بهمنیار و میرداماد از برهان امکان و وجوب ابن سینا استفاده کرده اند.</p>				۱								
۳	<p>جاهای خالی را با واژگان مناسب کامل فرمایید.</p> <p>در هر چیزی که مشاهده می کنیم دو جنبه وجود دارد: و از وجود علت به وجود و از وجود دلیل به می رسیم. نزد دموکریتوس مبدأ حیات بود. فیلسوف کسی است که عقیده دارد و از عقیده ی خود با استفاده از دفاع می کند.</p>				۲								
۲	<p>هر یک از گزینه های سمت راست با کدام یک از گزینه های سمت چپ ارتباط دارد؟</p> <table border="0"> <tr> <td>تداعی</td> <td>تجربه ی معنوی</td> </tr> <tr> <td>رساله ی در باب عشق</td> <td>ارسطو</td> </tr> <tr> <td>ویلیام جیمز</td> <td>ابن سینا</td> </tr> <tr> <td>برهان حرکت</td> <td>هیوم</td> </tr> </table>				تداعی	تجربه ی معنوی	رساله ی در باب عشق	ارسطو	ویلیام جیمز	ابن سینا	برهان حرکت	هیوم	۳
تداعی	تجربه ی معنوی												
رساله ی در باب عشق	ارسطو												
ویلیام جیمز	ابن سینا												
برهان حرکت	هیوم												
۲	<p>الف) کدام عبارت بیانگر مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟</p> <p>(۱) مفهوم وجود را می توان بر ماهیات حمل کرد. (۲) چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند. (۳) می توان ماهیاتی را تصور کرد که موجود نیستند. (۴) سلب وجود از ماهیت، در ذهن و در خارج امکان پذیر است.</p> <p>ب) کدام عبارت مفهوم «شانس» در اصطلاح عامیانه را به نحو مناسب تری تحلیل می کند؟</p> <p>(۱) نفی قانون علیت؛ به این معنی که هر معلولی، از هر علتی صادر می شود. (۲) عاملی خارج از قانون علیت که بر روند امور یک شخص تأثیر می گذارد. (۳) نفی قانون علیت، به این معنی که میان علت و معلول رابطه ی ضروری وجود ندارد. (۴) اعتقاد به این کار که در زنجیره ی حوادث زندگی، تعیین اهداف نهایی امکان پذیر نیست.</p>				۴								
۲	<p>نزد ابن سینا وجود و ماهیت چه رابطه ای با هم دارند؟</p>				۵								

ردیف	سؤالات	نمره
۲	ارسطو از دو طریق خدا را اثبات می‌کند؟ هر دو را شرح دهید.	۶
۲	دیدگاه دیوید هیوم را درباره علت به طور کامل شرح دهید. (با ذکر مثال)	۷
۲	سه نوع رابطه میان قضایا وجود دارد. هر سه را با ذکر مثال توضیح دهید.	۸
۲	استدلال فارابی در اثبات خدا را کامل توضیح دهید. همچنین شرح دهید که چه نقدی بر آن وارد است؟	۹
۲	نظریه ملاصدرا در اثبات خدا چه نام دارد. آن را به طور کامل شرح دهید.	۱۰
صفحه ۲ از ۲		

جمع بارم : ۲۰ نمره





اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۱۲ تهران
دبیرستان غیر دولتی پسرانه سرای دانش واحد حافظ

نام درس: فلسفه ۲
نام دبیر: مومن میرزازاده
تاریخ امتحان: ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۹۹
ساعت امتحان: ۰۸:۰۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۷۰ دقیقه

کلید سؤالات پایان ترم نوبت اول سال تمصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	غلط غلط غلط صحیح	
۲	موجودبودن و چیستی داشتن معلول نتیجه اتم قواعد فلسفی	
۳	تداعی رساله‌ی در باب عشق ویلیام جیمز برهان حرکت تجربه‌ی معنوی ارسطو ابن سینا هیوم	
۴	۳ ۲	
۵	وجود و ماهیت در ذهن و به طور مفهومی از هم جدا هستند والا در عالم واقع جدا نیستند. یعنی دو مفهوم متفاوتند نه دو موجود جداگانه. مثال: انسان و وجود	
۶	* به طور کلی، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب ترین و بهترینی نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است. برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است * که وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسلهٔ محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.	
۷	در میان فیلسوفان تجربه گرا، دیوید هیوم فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او می گوید درست است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطهٔ ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهدهٔ حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. مثلاً چشم، می بیند علت « که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید روشنی زمین باشد، چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست. او دربارهٔ همین مثال می گوید، براهین تکرار مشاهدهٔ خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین روشن شدن زمین است. او این حالت « علت « منعکس می شود که خورشید می نامد و می گوید تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از « تداعی « ذهنی را توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطهٔ ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است. ممکن است که در صبح یک روز ببینیم که خورشید طلوع کرده، اما زمین روشن نشده است.	
۸	به سه قضیهٔ زیر توجه کنید عدد چهار زوج است. دیوار خانهٔ ما سفید است. عدد هشت فرد است.	

<p>به نظر شما، رابطه میان موضوع و محمول در این قضا یا چگونه است؟ چه فرقی میان این سه دسته قضیه هست؟ آیا ممکن است عدد ۴ زوج نباشد؟ یا دیوار خانه ما سفید نباشد؟ یا عدد هشت فرد نباشد؟</p> <p>پاسخ درباره قضیه اول منفی است؛ زیرا عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست.</p> <p>اما قضیه دوم چگونه؟ آیا ممکن است دیوار سفید نباشد؟ پاسخ مثبت است؛ یعنی، با اینکه دیوار خانه ما فعلاً سفید است، اما می تواند سفید نباشد. پس، می توان گفت محمول قضیه اول برای موضوع خود است؛ یعنی، هم می تواند این محمول را بپذیرد و هم « ممکن » دوم برای موضوع خود ضروری نیست بلکه می تواند نپذیرد.</p> <p>اکنون به قضیه سوم نگاه می کنیم. می بینیم که در قضیه سوم، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت، فرد باشد.</p>	
<p>الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند</p> <p>ب) هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود</p> <p>ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است</p> <p>اکنون اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، « پیش می آید. » تسلسل ۱ علل نامتناهی</p> <p>د) تسلسل علل نامتناهی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ یعنی اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که کانون پیش روی ماست</p> <p>به بیان دیگر: اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید بی نهایت موجود پدید بیاید تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و هیچ گاه بی نهایت و چنین چیزی امکان پذیر نیست.</p> <p>نتیجه اینکه: چون سلسله علت و معلول نمی تواند تا بی نهایت به عقب برگردد، پس، در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست و وجود، برایش ضروری است، یعنی خودش موجودات دیگر است.</p>	<p>۹</p>
<p>به هر موجودی نگاه می کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است</p> <p>موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود غیرنیازمند و برخوردار باشد</p> <p>پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیروابسته هستند. ۱</p> <p>بنابراین، از نظر ملاصدرا وجود دوگونه است</p> <p>وجود بی نیاز و غیر وابسته</p> <p>وجودهای نیازمند و وابسته</p>	<p>۱۰</p>
<p>نام و نام خانوادگی مصحح : محسن میرزازاده</p>	<p>جمع بارم : ۲۰ نمره</p>
<p>امضاء:</p>	